اعتماد به هویت‌های مجازی، بلای جان کاربران

معاون اجتماعی پلیس فتای کشور گفت: مجرمان سایبری به‌صورت سازمان‌یافته یا انفرادی پس از جلب اعتماد کاربران با طرح دوستی از آنان اخاذی می‌کنند.

به گزارش جام‌جم، سرهنگ رامین پاشایی در تشریح این خبر اظهار کرد: مجرمان سایبری با طراحی نقشه‌های شوم در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های غیربومی با طرح دوستی با کاربران که اغلب از چهره‌های شناخته‌شده ورزشی و هنری و سایر افراد که دارای دنبال‌کنندگان بالا در شبکه اجتماعی اینستاگرام هستند با انجام ترفندهای مختلف و با انجام تماس‌های صوتی و تصویری با این افراد و ضبط تمام مکالمات صوتی و تصویری و تهیه تصاویر شخصی و خصوصی با تهدید انتشار اقدام به اخاذی و کلاهبرداری از آنان می‌کنند. این دسته از مجرمان که با سوءاستفاده از شماره تلفن‌های مجازی در اغلب اوقات خود را خارج‌نشین و صاحب منصب‌های مختلف معرفی می‌کنند با فریب طعمه‌ها پس از تهیه تصاویر و محتوای مورد نیاز خود اغلب تقاضای بیت‌کوین می‌کنند.

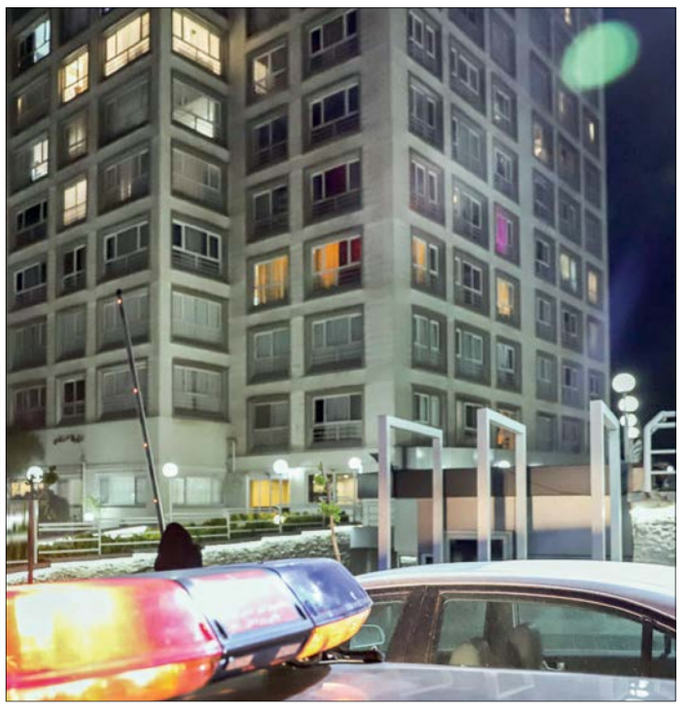

محل سکونت آزاده نامداری | عکس‌ها: میزان

جزئیات کشف جسد آزاده نامداری در خانه‌اش و حواشی پس از آن

معمای مرگ مجری جوان در برج سعادت‌آباد

با گذشت حدود یک هفته از مرگ جنجالی مجری جوان در خانه‌اش در غرب تهران، احتمال خودکشی او با داروهای اعصاب پررنگ‌ترین فرضیه درباره مرگ اوست. بررسی‌های پزشکی‌قانونی، موضوع بارداری آزاده نامداری در زمان مرگش را رد کرده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه هفتمین روز نوروز، خبر کشف جسد آزاده نامداری در خانه‌اش در سعادت‌آباد در فضای مجازی جنجالی به پا کرد. مجری جوان چند روز قبل فیلمی از خود و دخترش منتشر کرده و در آن تبریک نوروز گفته بود و حالا ماجرای مرگش خبرساز شده است. آزاده نامداری که در ۱۹سالگی اجرا را به‌صورت رسمی آغاز کرده بود، سال ۹۲ بعد از اعلام ازدواجش با فرزاد حسنی به چهره‌ای خبرساز تبدیل شد. این ازدواج یک‌سال بیشتر دوام نیاورد و در نهایت انتشار یک عکس از کبودی چشم نامداری در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام، خبر از پایان این زندگی مشترک می‌داد.

در ادامه انتشار عکس‌هایی از پوشش آزاده نامداری در فضای مجازی، دوباره او را به چهره‌ای جنجالی تبدیل کرد و حالا مرگ او در آپارتمانش و حاشیه‌های آن، برای آخرین‌بار نام او را بر سر زبان‌ها انداخت.

ماجرای مرگ آزاده نامداری با تماس مادرش با اورژانس فاش و تحقیقات جنایی درباره علت مرگ او آغاز شد. ساعت ۱۸و۳۸ دقیقه هفتم فروردین زنی با اورژانس تهران تماس گرفت و خبر داد پیکر دختر جوانش در اتاق نشیمن خانه‌اش در طبقه هفتم برجی در خیابان مهستان سعادت‌آباد پایتخت افتاده است. بعد از این تماس، تیمی از امدادگران اورژانس تهران برای بررسی ماجرا در آنجا حاضر شدند. بررسی‌های اولیه امدادگران نشان داد که نزدیک به دو روز از مرگ آزاده نامداری می‌گذرد.

با توجه به این که مرگ او مشکوک بود، دقایقی بعد ماموران کلانتری شهرک غرب همراه بازپرس جنایی تهران در خانه مجری جوان حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد، خانه به‌هم ریخته نبود و جسد این زن در مقابل کاناپه افتاده بود. تیم جنایی با طرح سه احتمال، قتل، خودکشی و مرگ طبیعی تحقیقات خود را آغاز کردند. ماموران ابتدا به تحقیق از مادر آزاده نامداری پرداخته و مشخص شد آزاده قرار بوده همراه همسر و دختر۴ساله‌شان به نام گندم به رامسر بروند. مادربزرگ همسر نامداری بیمار بود و قرار بوده به دیدن او بروند. برخلاف تصور خانواده مجری جوان، او در خانه مانده و پاسخ‌ندادن به تلفنش باعث شک آنها و حضورشان در خانه شده بود. همسر مجری زن جوان نیز در تحقیقات گفت: چون مادربزرگم بیمار بود به رامسر سفر کرده و ابتدا قرار بود آزاده همراهمان بیاید که بعد منصرف شد و در تهران ماند و من همراه دخترم به سفر رفته و با تماس خانواده همسرم متوجه مرگ او شده و خود را به تهران رساندم.

بررسی دوربین‌های مداربسته برج نشان داد در این مدت ترددی به خانه مجری جوان صورت نگرفته و همچنین آثاری از ضرب‌وجرح روی بدن او دیده نمی‌شود. این موضوع احتمال قتل را رد کرد.

در ادامه احتمال خودکشی و مرگ طبیعی مورد بررسی قرار گرفت و پیداشدن داروهای اعصاب قوی در نزدیکی پیکر زن جوان فرضیه خودکشی را قوت بخشید و بازپرس جنایی به تیم پزشکی‌قانونی دستور داد با انجام کالبدشکافی و آزمایشات سم‌شناسی علت مرگ را مشخص کنند.

با معاینات اولیه جسد، فرضیه خودکشی پررنگ‌تر شد. سرپرست دادسرای جنایی تهران درباره این احتمال گفت: بررسی اولیه پزشکی‌قانونی مبین وجود داروی قوی ضدافسردگی در آزمایش سم‌شناسی متوفی است؛ بنابراین موضوع خودکشی از طریق مصرف داروهای اعصاب و روان مطرح است که البته قطعیت این موضوع منوط به نظر تکمیلی پزشکی‌قانونی درخصوص نتایج آزمایش آسیب‌شناسی است.

در ادامه با بررسی خانه، دفتر ۴۰برگی در اتاق گندم، دختر ۴ساله مجری جوان پیدا شد که در دو صفحه آن با دخترش صحبت کرده و در پایان با او خداحافظی کرده و حلالیت طلبیده بود.

همچنین بررسی پیامک‌هایش مشخص کرد او با همسرش اختلاف جدی نداشته و ارتباط آنها با یکدیگر خوب بوده است.

در حال حاضر تیم جنایی منتظر نتیجه نهایی سم‌شناسی است و پرونده در شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران تحت رسیدگی برای رازگشایی از علت مرگ است.

تورهای ارزان شگردی برای کلاهبرداری

هرساله و با نزدیک شدن به ایام تعطیلات عید نوروز، بحث کلاهبرداری از مسافران مطرح می‌شود. در آخرین روزهای پایانی سال ۹۹ بود که پلیس فتا نیز نسبت به افزایش فعالیت کلاهبرداران اینترنتی به هموطنان هشدار داد و گفت سودجویان از موقعیت ایجادشده نهایت بهره‌برداری را کرده و از راه‌های مختلف اقدام به کلاهبرداری از شهروندان می‌کنند.

در یکی از این کلاهبرداری‌ها، فردی با ساخت سایتی شبیه سایت شرکت خدماتی مسافرتی از مسافران کلاهبرداری کرده بود. ماجرا از آنجا لو رفت که نماینده حقوقی یکی از شرکت‌های مسافرتی با مراجعه به پلیس فتا اعلام کرد تعدادی از مسافران به دفتر شرکت خدماتی مسافرتی مراجعه کرده و گفته‌اند بلیت هواپیما از شرکت خدماتی مسافرتی رزرو کرده و پرینت ثبت‌نام دارند، اما وقتی به مقابل گیت رفته‌اند متوجه جعلی بودن آن شدند. پس از این شکایت و بررسی‌های پلیس فتا مشخص شد چنین ثبت‌نامی صورت نگرفته و باعث سرگردانی شهروندان شده است. بر همین اساس، شناسایی و دستگیری متهم یا متهمان پرونده در دستورکار کارآگاهان پلیس فتا قرار گرفت و در تحقیقات پلیسی متوجه شدند مرد ۳۲ ساله‌ای با طراحی سایتی شبیه سایت اصلی شرکت خدمات مسافرتی از مسافران کلاهبرداری و مبالغی از آنان دریافت کرده بود که دستگیر شد و به جرم خود اعتراف کرد.

سرهنگ اکبر نصرتی، رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات استان آذربایجان‌غربی درباره شگرد این مجرمان گفت: با آغاز فروش تورهای نوروزی عده‌ای سودجو با راه‌اندازی صفحات و سایت‌های جعلی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اقدام به تبلیغ تورهای ارزان‌قیمت داخلی و خارجی می‌کنند. این کلاهبرداران با ارائه قیمت‌های بسیار پایین و دیگر تبلیغات فریبنده افراد را ترغیب می‌کنند تا از خدمات شرکت آنان بهره‌مند شوند اما غافل از این‌که بررسی‌ها نشان داده این تورهای ارزان‌قیمت فریبی برای کلاهبرداران از مسافران نوروزی است.

وی افزود: افراد سودجو با قراردادن عکس‌های جعلی از تورها و محل‌های اقامت مسافران، افراد را ترغیب به استفاده از این تورها می‌کنند. این در حالی است که کلاهبرداران در قالب شرکت‌های گردشگری علاوه‌بر ارائه قیمت‌های کم، افراد را دعوت می‌کنند تا با خانواده‌های خود به شهرهای داخلی و یا کشورهای خارجی سفر کنند. مسافران پس از واریز وجه به حساب کلاهبرداران از پاسخگویی به تماس‌های شهروندان خودداری کرده و راه‌های ارتباطی خود را از دسترس خارج می‌کنند.

فهرست سیاه برای جنایت‌های سریالی

مرد جنایتکار بعد از قتل ۸ زن و مرد به هلاکت رسید

لیلا حسین‌زاده

حوادث

تصمیمش را برای مردن گرفته بود. دیگر چیزی در این دنیا وجود نداشت که دلش را به آن خوش کند. حالا که می‌خواست بمیرد به خیال خودش باید انتقام ۵۰ سال عمر فناشده‌اش را از آنهایی که به قول خودش در تمام این سال‌ها زجرش داده بودند و حالا می‌خواستند نوروز را جشن بگیرند، می‌گرفت. طبق لیستش، ۳۰ نفر باید در کنگان بوشهر کشته می‌شدند. خشاب کلاشنیکفش را پر از گلوله کرد و راه افتاد. تقویم ۲۶ اسفند سال ۹۹ را نشان می‌داد.

سوار موتورش شد و پس از مدتی، به جایی که می‌توانست مقتول را پیدا کند رسید. لوله کلاشنیکف را به سمت قربانی‌اش گرفت و او را به رگبار بست. ناگهان زمین از خون مقتول قرمزرنگ شد. در یک آن، همهمه‌ای در کنگان به‌پا شد. خیلی‌ها «حدود» را می‌شناختند و از سابقه‌اش خبر داشتند. می‌دانستند سال ۷۲ به‌خاطر قتل دختر عمویش با چاقو به زندان افتاد و با رضایت اولیای دم آزاد شد. می‌دانستند به دلیل قاچاق مواد مخدر ۲۰ سال در قطر زندانی بود و پس از اتمام حبس از قطر اخراج و به ایران بازگردانده شده بود.

همه از ترس، لب ورچیده بودند. حدود پس از قتل، با موتور از مهلکه گریخت. دو روز مخفی شد و ۲۸ اسفند، در حالی که پلیس لحظه به لحظه او را زیر نظر داشت، به قتل نفر بعدی فکر کرد. دوباره سوار موتورش شد و قربانی‌اش را با شلیک گلوله در خون خود غلتاند. کنگان دوباره به‌هم ریخت. صدای شیون و واویلای زنان و دختران در خیابان پیچید. ۲۰ دقیقه پس از قتل او، خبر دیگری ذهنش را حسابی به‌هم ریخت و تصمیم گرفت حسابش را با آنها هم تسویه کند. جایی که قرار بود حدود برود، مجلس خواستگاری به‌پا بود.

خواستگاری خونین

عروس‌خانم چادر سفید بر سر، سینی چای را به سمت خواستگار ۲۱ساله‌اش گرفت. لبخندی از روی شرم روی صورت هر دو جوان نشست. مادربزرگ ۷۵ ساله از این‌که نوه‌اش داشت عروس می‌شد، خوشحال بود. دو خواهر عروس ریز می‌خندیدند و از خوشحالی برای خواهرشان بشکن می‌زدند. حدود به در خانه دخترها رسید. نگاهی از روی کینه به سر و روی ساختمان انداخت و بعد وارد خانه شد. سه دختر ۱۴، ۱۸ و ۲۱ساله، مادربزرگ و خواستگار با صورت‌هایی بهت‌زده به سلاحی زل زده بودند که لوله‌اش مستقیم به سمت آنها نشانه رفته بود. حدود انگشتش را روی ماشه گذاشت و همه را به رگبار بست و بعد پا به فرار گذاشت.

حرف و حدیث‌ها درباره این قتل زیاد بود، اما آن‌طور که داماد خانواده

قتل‌عام‌شده کنگانی می‌گفت، قتل ناموسی بوده و ظاهرا حدود خواستگار یکی از دخترها بوده است.

خبر قتل پنج نفر دیگر توسط قاتل کنگانی، مثل برق و باد به پلیس رسید و ماموران به صحنه قتل رفتند. حالا هفت جنازه روی دست‌شان مانده بود با قاتلی که خیلی راحت آدم می‌کشت. ساعت ۳ بامداد و در حالی که تنها چند ساعت از آغاز روز ۲۹ اسفند گذشته بود، حدود سراغ مرد دیگری رفت که از ۳۰ سال پیش با او مشکل داشت. خشاب گلوله را روی او خالی کرد و با خونسردی رفت. دوباره قتل دیگری به پلیس گزارش شد.

مرد میانسال، تازه تسویه حساب‌هایش را آغاز کرده بود. کنگان دوباره غرق در آشوب و ناآرامی شد. همه از قاتلی صحبت می‌کردند که رحم نداشت. آنهایی که او را می‌شناختند، از ترس به خود می‌لرزیدند و فکر می‌کردند قربانی بعدی حدود، خودشان باشند.

حدود می‌دانست دیگر به ته خط رسیده و دیر یا زود کشته خواهد شد. قبل از کشتن قربانیان بعدی‌اش، تصمیم گرفت در یک فایل صوتی علت قتل‌هایش را توضیح دهد. حدود در این فایل خود را عبدالودود معرفی کرد و در حالی که به زبان عربی صحبت می‌کرد، گفت: «ما در یک خانه ۳۰۰ متری زندگی می‌کنیم و خانواده معروفی هستیم. در خانواده‌ای مودب بزرگ شدم و سعی کردم هرگز مشکلی ایجاد نکنم، اما نشد. من پولدار هستم و صدها خانه دارم. به‌جز چین و کره، هر جای دنیا که دلم بخواهد، می‌توانم زندگی کنم. من نه ظالمم، نه دزد و نه ترسو اما مردم به من ظلم کردند. ۲۷ سال از بهترین سال‌های زندگی‌ام در زندان گذشت و بعد از این سال‌ها به خاطر مادر، خانواده، دوستان و فامیل دلم می‌خواست یک زندگی ساده و عادی داشته باشم. هیچ‌گونه تعدی را به خودم و خانواده‌ام تحمل نمی‌کنم. کوچک‌ترین خیانت برای من قابل قبول نیست و حتی اگر خائن برادرم باشد، او را می‌کشم. اگر کسی پشت سرم حرف بزند، ساکت نمی‌نشینم. این راه و روش زندگی من است. هرکس که دوست ندارد، سرش را به دیوار بزند.»

فوت همسر برادر به دلیل حمله گروهی

قاتل کنگانی در ادامه فایل صوتی از دوران نوجوانی‌اش صحبت کرد: «۱۵یا۱۶ساله بودم. ما با برادرانم که روی چشمم جا دارند و یک خانواده که دوست پدرم بود، در حسن‌آباد زندگی می‌کردیم. یکی از دوستان پدرم از ما ۲۰۰هزار تومان قرض کرد و به کنگان آمد. یک روز بچه‌هایش با پسر برادرم جر و بحث کردند. یکی چاقو کشید و یکی خون‌دماغ شد. بعد با هم درگیر شدند. بزرگ‌ترها آمدند و گفتند چرا این کارها را کردید؟ آن روز با پسر برادرم دعوا کردم و حتی به او سیلی زدم، اما آنها به من احترام نگذاشتند و شب ۳۰ نفر با چوب و چماق به خانه ما آمدند. من گفتم بگذارید صحبت کنیم، اما آنها با چوب و چماق، من را سوار ماشین کرده و به پاسگاه بردند. در پاسگاه دستم را شکستند اما باز هم دست‌بردار نبودند. با این‌که خانه حرمت دارد اما چند بار دیگر به خانه‌مان حمله کردند. زن برادرم از این حمله‌ها می‌ترسید و آخر سر به دلیل همین ترس فوت کرد. خانه آن ۳۰ نفر را بلدم و از آنها نمی‌گذرم، چون باعث مرگ زن داداشم شدند.»

هلاکت قاتل کنگانی

بعد از ارسال فایل صوتی در فضای مجازی، حدود در حالی داشت خودش را برای کشتاری فجیع آماده می‌کرد که پلیس کنگان برای او تله گذاشته و هشدارهای لازم را به قربانیان احتمالی داده بود.

سردار خلیل واعظی، فرمانده انتظامی استان بوشهر در این‌باره گفت: «قاتل از ۲۸ اسفندماه بنا داشت ۳۰ نفر را در محله گوده به قتل برساند و همچنین به مقر انتظامی نیز حمله کند که برای جلوگیری از قتل‌عام، پیشگیری‌های لازم را انجام دادیم. به بعضی افراد که احتمال داشت کشته شوند آموزش دادیم که در برخی مکان‌ها حضور نداشته باشند، عده‌ای را در مقر خود نگه‌داشتیم و از عده‌ای دیگر محافظت کردیم. با این ترفند، قاتل فرصت این را پیدا نکرد که مرتکب قتل دیگری شود و نیروهای پلیس هم شهرستان و هم مرکز استان، حفاظت خوبی از محله انجام دادند و قاتل ناکام ماند.»

وی در مورد هلاکت قاتل گفت: «پلیس استان بوشهر با اشراف اطلاعاتی و رصد لحظه به لحظه قاتل، با برنامه‌ریزی و انجام یک عملیات روانی برای جلوگیری از حادثه‌ای دیگر، قاتل را به محل موردنظر کشاند. پلیس با او مذاکره کرد و از او خواست خود را تسلیم کند، اما او به‌جای تسلیم شروع به تیراندازی به سمت ماموران کرد که در ادامه، یک تک‌تیرانداز از نیروهای نوپو قاتل را هدف قرار داد و به هلاکت رسید.»

تلنگر

تعطیلات با ۴ قتل پایان گرفت

تعطیلات نوروز در پایتخت با چهار جنایت پایان گرفت. در این جنایت‌ها یک زن، پسری جوان و یک کودک، قربانی جنایت‌های خانوادگی شدند. مردی افغان هم در جریان اختلاف طایفه‌ای کشته شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، راز نخستین جنایت سال ۱۴۰۰، صبح چهارم فروردین امسال همزمان با کشف جسد زن جوانی که در نایلون پلاستیکی و در میان دو پتو پیچیده شده و در بوستانی در نزدیکی‌های بزرگراه آزادگان تهران رها شده بود، فاش شد. بررسی‌ها نشان داد، این زن خفه‌شده و دو روز از مرگش می‌گذرد. همزمان شوهر مقتول با مراجعه به اداره پلیس یکی از شهرستان‌های استان خوزستان به قتل زن جوان اعتراف کرد و گفت: روز دوم عید بر سر مهریه و حق طلاق دعوا کردیم. مشتی به او زدم و دهانش را با دست گرفتم که فریاد نزند اما خفه شد و فوت کرد. بعد جسد او را در بوستانی حوالی بزرگراه آزادگان رها کردم. سپس به زادگاهم رفته و فرزندمان را به خانواده‌ام تحویل داده و تسلیم شدم.

با توجه به این‌که جنایت در شهرستان پاکدشت رخ داده بود، مرد همسرکش برای ادامه تحقیقات تحویل پلیس این شهر شد.

قتل خواهرزاده

دومین جنایت نوروزی، روز ششم فروردین با قتل پسر ۳۷ ساله در آپارتمانش در خیابان رودکی تهران رقم خورد. شواهد نشان می‌داد او مثل بقیه اعضای خانواده‌اش کرو لال بوده و با ضربه‌های چاقو کشته و جسدش در اتاق‌خواب پیداشده است. با تحقیق از پدر مقتول معلوم شد پسرش ۲۰سال معتاد بوده، ترک نمی‌کرده و مدام او را کتک می‌زده است. دایی مقتول که از این ماجرا مطلع شده بود، خواهرزاده‌اش را کشته و با لباس زنانه از محل قتل فرار کرده بود.

بعد از این جنایت پدر مقتول با صحنه‌سازی و ادعای حضور زنی در خانه‌شان سعی داشت برادرزن خود را از مجازات فراری دهد که با تحقیقات پلیس سناریوپردازی او فاش شد.

با افشای این جنایت پدر مقتول بازداشت شد و مأموران با شناسایی عامل جنایت او را هم دستگیر کردند.

قتل خیابانی در تهرانسر

سومین جنایتی که در پایتخت رقم خورد، بعدازظهر ۱۰فروردین در محله تهرانسر رخ داد. با کشف جسد مرد اهل افغانستان و بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف مشخص شد سه هموطن وی که لوله آهنی و چاقو داشتند به او حمله کرده و وی را کشته‌اند. تحقیقات درباره انگیزه قتل نشان داد، مقتول به یکی از بزرگان طایفه سه متهم فراری توهین کرده و به ایران گریخته بود که متهمان او را پیداکرده و کشتند.

با شناسایی هویت قاتلان مشخصات آنها در اختیار پلیس سراسر کشور قرار گرفت تا با کشف ردی از آنها دستگیر شوند.

قتل دختر به دست پدر

دو روز پیش چهارمین جنایت ۱۴۰۰ رقم خورد. ماجرا مربوط به مرگ مشکوک دختر یک سال و نیمه افغان بود که در خانه‌شان در جنوب تهران فوت شد. مادر کودک به پلیس گفته بود برای خرید بیرون رفته و زمانی که برگشته شوهرش به او گفته دخترشان بدحال شده که با حضور امدادگران اورژانس متوجه مرگ وی شده است.

در ادامه مأموران از پدر کودک تحقیق کردند که او اعتراف کرد بعد از شکنجه دخترش، او را به قتل رسانده است. پلیس با درحال حاضر پدر شکنجه‌گر در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات برای رازگشایی از انگیزه‌اش ادامه دارد.